



## تدریس مشارکتی

### چکیده

در میان بسیاری از دانش آموزان درس خشک و کسالت آوری معرفی می شود؟ و یا حتی بدتر از آن گاه زائد و پیش پا افتاده.

همواره با جوانانی که این چنین گستاخانه به ساخت مقدس این درس شیرین توهین می کردند، مجادله نموده و زیبایی ها و لزوم آن را یادآور می شدم. اما هرچه بیشتر می جوشیدم و می خروشیدم، کم تر نتیجه می گرفتم و دم گرم من در آهن سرد ایشان اثری نداشت.

هنگامی که سعادت یافتم به عنوان معلم در دوره ی ابتدایی خدمت کنم، احساس کردم که کتاب های فارسی دوره ی ابتدایی زیبایی و گیرایی چندانی ندارد و چه بسا در انتخاب بسیاری از موضوعات، مؤلفان عزیز، اصل کشش و جاذبه ی متن را از نظر دور داشته و در معرفی مشاهیر ادبی ما اغماض رواداشته اند اما هنوز هم جواب قطعی سؤال خویش را نیافته بودم. هنگامی که افتخار خدمت در دوره

بی اعتنایی و بی علاقه گری برخی از دانش آموزان نسبت به درس ادبیات، امروزه بسیاری از فرهنگ دوستان و ادیبان و علاقه مندان به ادبیات (خصوصاً دبیران ادبیات) را نگران کرده است؛ زیرا این بی اعتنایی ممکن است بسیاری از دانش آموزان را از متون کهن و گنجینه ی زبان و ادبیات پارسی دور و با هویت دینی و ملی شان - که در این متون نهفته است - بیگانه کند. برخی از طرف داران زبان و ادبیات در پی یافتن راه حلی مناسب برآمده اند. از جمله: خانم مریم بیدمشکی. ایشان برای علاقه مند کردن دانش آموزان به ادبیات، شیوه ی تدریس مشارکتی را پیشنهاد کرده و به آزمایش گذاشته اند و به نتایج مطلوبی نیز دست یافته اند. در این مقاله با تجربه ی ایشان آشنا می شویم.

معرفی نویسنده: خانم مریم بیدمشکی دبیر زبان و ادبیات فارسی در شهر مشهد می باشند.

از دو کلمه ی فیلا و سوفیای یونانی؛ برخی از خوانندگان محترم از فرط تکرار مطلب یقه ی خود را پاره خواهند کرد. \*

حال اگر من نیز مقاله ی خود را با این جمله ی تکراری آغاز کنم که: ادبیات، مظلوم همیشه ی تاریخ نظام آموزش ماست، تکرار مکررات کرده ام؛ تکرار مطلبی که گویا هرچه بیشتر گفته می شود، کم تر مورد توجه قرار می گیرد. بگذریم.

مدت ها بود که با خود می اندیشیدم چرا ادبیات با تمامی لطف و جاذبه ای که دارد،

کلیدواژه ها: تدریس مشارکتی، کتاب های ادبیات، کشش و جاذبه در درس ادبیات، علل بی انگیزگی دانش آموزان، مشکلات تحصیلی، اهداف تدریس مشارکتی، واگذاری تدریس به دانش آموزان، پرسش و پاسخ.

یکی از نویسندگان معاصر، در ابتدای یکی از مقاله هایش چنین نوشته است: «می دانم اگر از اشتقاق لغت آغاز کنم و توضیح دهم که فلسفه؛ لفظی است مرکب

متوسطه نصیب شد، بی بردم که کار خراب تر از آن است که من تاکنون می پنداشته ام. با پرس و جوایی که از دانش آموزان به عمل آوردم، بی رغبتی و بی انگیزگی دانش آموزان را به درس ادبیات در چند دلیل خلاصه دیدم:

۱. عدم توجه و اهمیت به ادبیات و زبان پارسی در دوره پیش دبستانی؛

۲. مد نظر قرار نگرفتن ادبیات یا آشنایی با مشاهیر ادبی به عنوان یک واحد کار در دوره پیش دبستانی؛

۳. ناآشنایی برخی مربیان کودک و معلمان ابتدایی با ادبیات و بزرگان ادب پارسی؛

۴. انتخاب نامناسب موضوعات کتاب های فارسی دوره ی ابتدایی؛

۵. مطابق نبودن ساعات تدریس ادبیات با محتوای زیاد کتاب ها؛

۶. پخته خوار شدن و میرزابنویس کردن دانش آموزان توسط برخی دبیران ادبیات؛

۷. نداشتن اطلاعات کافی بعضی از دبیران ادبیات به دلیل حیطه ی گسترده ی آن؛

۸. برخورد نامناسب با دانش آموزان و استفاده از روش های تدریس نامطلوب توسط برخی دبیران ادبیات؛

۹. عدم برگزاری همایش های ادبی برای دبیران ادبیات؛

۱۰. نبودن فرصت در آموزشگاه ها جهت تبادل نظر و اندیشه ی دبیران ادبیات؛

۱۱. عدم تشکیل جلسات مفید آموزشی که دبیران با تجربه و خلاق، تجربیات ارزنده ی خود را به صورت عملی به دیگران انتقال دهند؛

۱۲. نامتناسب بودن آزمون های ضمن خدمت - که همه ساله در چند نوبت برگزار می شود - با رشته ی تخصصی دبیران ادبیات؛

هم چنین ضمن بررسی های به عمل آمده از چندین دبیرستان در سطح ایران، مشکلات

تحصیلی دانش آموزان دوره ی متوسطه به شرح زیر ذکر گردیده است که در این جا به بیان برخی از آن ها - که با موضوع ما مناسبت داشته اند - اکتفا می کنیم:

۱. عدم شناخت استعدادها و توانمندی های ذهنی خود و عدم اعتماد به نفس لازم؛

۲. نداشتن روش صحیح مطالعه و یادگیری؛

۳. تأکید بر حفظ مطالب در کلاس های درس و مدرسه به جای بحث و گفت و گو و استفاده از روش های دیگر؛

۴. نحوه ی تدریس و ارائه ی مطالب درسی در کلاس ها توسط دبیران؛

۵. کمبود کتاب و کتابخانه و عدم روحیه ی تحقیق و خودآموزی؛

۶. ضعف مدیریت در مدرسه و نامساعد بودن جو مدرسه؛

۷. فعال نبودن دانش آموزان در کلاس های درس و عدم پرسش از آنان به تناسب نیاز؛

۸. حجم زیاد بعضی از کتاب های درسی و کمبود وقت یادگیری و یاددهی در مدارس؛

حال من بودم با همین امکانات کم و همه ی مشکلات موجود، چه کار می توانستم کنم؟ آیا باید چون کار از اساس خراب بود، من نیز بر این مشکلات افزوده و مسئولیت را از خویشتن ساقط می نمودم؟ نه! من سعی کردم تمامی آن چه را در چپته داشتم، برای راغب کردن فراگیرانم به درس ادبیات به کار گیرم.

از ترم اول راضی نبودم، اگر چه دیگر از خمیازه های مکرر و چشمان شیشه ای و بی تفاوت روزهای قبل خبری نبود، اما کلاس هنوز آن روحی را که من طالبش بودم، نداشت. نمرات پایان ترم نیز اگر چه در حد متوسط، خوب بود، اما مرا اقناع نمی کرد.

از ترم دوم به بعد به این فکر افتادم که تدریس را به دانش آموزان محول کنم. این کار را در دوره ی ابتدایی انجام داده و نتایج مطلوبی گرفته بودم.

در ضمن این کار، سوای اهدافی که برای آن در نظر گرفته بودم، در وهله ی اول - بدون در نظر گرفتن نتایج آن - دو حسن داشت؛ اول از همه خود من موظف به تحقیق و مطالعه ی بیشتر می شدم؛ زیرا باید به فراگیران منابعی را جهت تحقیق معرفی می کردم تا در تدریس خویش از آن ها سود جویند و هم چنین باید از این طریق آمادگی خویش را برای پاسخ به سؤالات احتمالی آن ها قبل و یا ضمن تدریس بالا می بردم.

حسن دیگر این کار، تنوع و دگرگونی در شیوه های تدریس بود.

## اهداف این شیوه ی تدریس عبارت بودند از:

۱. اهمیت دادن به زبان و ادبیات فارسی؛

۲. تغییر نگرش فراگیران نسبت به درس ادبیات - که اغلب آن را درس ساده و پیش پا افتاده ای می بینند؛

۳. ایجاد حرکت، پویایی و فعالیت در بین فراگیران؛

۴. ایجاد انگیزه و رغبت در بین فراگیران نسبت به درس ادبیات؛

۵. سهیم کردن فراگیران در اندیشه های یکدیگر؛

۶. ایجاد احساس مسئولیت و اعتماد به نفس در بین فراگیران؛

۷. ایجاد رقابت سازنده در فراگیران؛

۸. آشنا کردن دانش آموزان با روش های مختلف تدریس به صورت غیر مستقیم؛

۹. پیدا کردن روش های تدریس مطلوب و مورد علاقه ی فراگیران؛

۱۰. ایجاد حس همکاری و مشارکت در بین دانش آموزان؛



۱۱. درک و فهم بهتر مطالب تدریس شده‌ی دانش‌آموزان توسط خودشان؛
۱۲. سهم کردن فراگیران در سرنوشت آموزش خویش در درس ادبیات؛
۱۳. ایجاد خلاقیت و نوآوری در بین فراگیران در تدریس ادبیات؛
۱۴. ایجاد روحیه‌ی تحقیق و پژوهش در بین فراگیران؛
۱۵. درک بهتر زحمات معلمان به هنگام تدریس از سوی دانش‌آموزان؛
۱۶. ایجاد نظم و هم‌آهنگی در بین فراگیران از طریق تدریس مشارکتی؛
۱۷. مشارکت دادن و به حساب آوردن دانش‌آموزان در کلاس ادبیات.

### جلسه‌ی اول: نحوه‌ی شروع کار و واگذاری تدریس به دانش‌آموزان

- جلسه‌ی اول پس از شروع ترم دوم با دانش‌آموزان راجع به شیوه‌ی تدریس دروس در ترم قبل صحبت کردیم. محاسن و معایب کار را بررسی کرده و در نهایت پیشنهاد تدریس را برای آن‌ها مطرح کردم. اول در قبولش مردد بودند اما هنگامی که به آن‌ها اطمینان دادم در تمام مراحل هم‌راه و یاور آن‌ها خواهم بود، با خاطری آسوده پیشنهاد را پذیرفتند.
۱. کلاس را به گروه‌های سه تا پنج نفری تقسیم کردم. البته سعی شد غیرمستقیم در هر گروه، دانش‌آموزان قوی و ضعیف باهم باشند.
  ۲. هر درس متناسب با روحیه‌ی افراد گروه تقسیم‌بندی شد. البته انتخاب درس قطعی نبود و دانش‌آموزان با ذکر دلیل می‌توانستند موضوع تدریس خود را عوض کنند.
  ۳. هر گروه موظف بود قبل از تدریس، تمام تمهیدات لازم را برای بهتر کردن تدریسش انجام دهد؛ زیرا هر عمل

- موضوع تدریس مطرح کرده تا در موقع لزوم دیگر فراگیران را درگیر مسأله کنند.
۸. گروه موظف به مشارکت دادن دیگر دانش‌آموزان در امر تدریس بود. هر گروهی که دانش‌آموزان را بیشتر در امر تدریس شرکت می‌داد، امتیاز بیشتری کسب می‌کرد.
  ۹. دانش‌آموزان هنگام تدریس دوستانشان حق یادداشت برداری نداشتند و باید فقط گوش داده و در گفتن معنی و مفهوم مشارکت می‌کردند. (چنانچه بدین لحاظ مشکلی برایشان پیش می‌آمد، بعداً به دوستان مدرّسشان یا خود من مراجعه کرده و اشکالشان را برطرف می‌نمودند).
  ۱۰. در پایان به دانش‌آموزان یادآوری شد که بهترین و خلاقانه‌ترین تدریس برگزیده خواهد شد و به افراد آن گروه جوایزی اهدا خواهد گردید. در ضمن به تمامی افرادی که یک تدریس خوب و محققانه ارائه دهند،

- خلاقانه‌ای امتیازی جداگانه دربرداشت.
۴. چون حسن آغاز هر درس با ذکر نام و یاد خداست، گروه موظف بود بیت شعر یا عبارت کوتاهی که نام خداوند منان را دربرداشت قبل از شروع تدریس روی تخته بنویسد. اگر این یادکرد متناسب با موضوع تدریس بود، امتیاز ویژه داشت.
  ۵. هر گروه موظف بود قبل از ارائه‌ی تدریس، مجهولات درس را برای خود بگشاید؛ زیرا چنانچه سؤالی در مورد درس پیش می‌آمد که گروه قادر به پاسخ‌گویی آن نبود، از امتیازش کسر می‌گردید (۲۰ دقیقه‌ی ابتدای کلاس را به این کار اختصاص داده بودم).
  ۶. تمام افراد گروه ملزم به یادگیری کل مطالب درس موردنظر بودند؛ زیرا انتخاب فرد برای تدریس هر قسمت درس به عهده‌ی من بود.
  ۷. گروه موظف بود سؤالاتی را پیرامون

تقدیرنامه‌ی اداره اهدا خواهد گردید (این کار صورت گرفت).

۱۱. از هر گروه خواسته شد، چنانچه مایلند تدریس خود را ابتدا به صورت مکتوب به دبیر مربوطه ارائه داده و پس از آن به تدریس بپردازند.

این شیوه‌ی تدریس در طول ترم دوم به کار گرفته شد. البته محدودیت وقت و حجم زیاد کتاب یکی از مشکلاتی بود که کار ما را با موانعی روبه‌رو ساخت و اگرچه نتوانستیم تمامی درس‌های بخش دوم را به همین نحو تدریس کنیم، اما به طور کلی روال کار رضایت‌بخش بود.

ارزشیابی‌های مستمر شفاهی و کتبی در طول ترم، نشان از توانمندی چشمگیری دانش‌آموزان می‌داد.

قبل از هرگونه نتیجه‌گیری کلی می‌خواهم خاطره‌ای را ذکر کنم که شاید تنها وقوع آن حجت من برای ادامه‌ی این راه باشد؛ جدا از نتیجه‌گیری و ارزشیابی‌های بازپسین.

در کلاس خود (دبیرستان زینیه، سال اول، ناحیه‌ی ۲) دو خواهر دوقلو داشتم. یکی از آن‌ها در درس ادبیات ضعیف و دیگری به شدت ضعیف بود. به گونه‌ای که شاید بدون اغراق بتوان گفت که روخوانی او حتی در حد یک کودک سال دوم ابتدایی هم نبود.

بارها از خود پرسیده بودم او چگونه توانسته است به دبیرستان راه یابد؛ زیرا نه تنها املا و جمله‌سازی بسیار ضعیفی داشت، بلکه از روخوانی یک متن بسیار ساده نیز عاجز بود.

هنگامی که می‌خواستم تدریس را به آن‌ها محوّل کنم، بسیار نگران بودم و با چند بار بررسی سرانجام تدریس شعر «مرغ گرفتار» را به ایشان واگذار نمودم. گروه آن‌ها متشکل از سه نفر بود و دانش‌آموز دیگری را که در

گروه آن‌ها گنجانده بودم، در درس ادبیات قوی بود و همین، کمی خاطر مرا آسوده می‌کرد.

اما چندی بعد دانش‌آموز مذکور - نمی‌دانم به چه دلیل - از من خواست که او را از گروه آن‌ها بردارم و من چون دیدم دو خواهر هم راضی به وجود او نیستند، اصرار را صلاح ندیدم اما تا روز تدریس آن‌ها، هم چنان نگران بودم؛ زیرا می‌ترسیدم با این کار نه تنها نتیجه‌ی مطلوبی عاید نشود، بلکه آن دو با نمایش ضعف خویش اعتماد به نفسشان را نیز برای همیشه از دست بدهند. نگرانی من وقتی شدت گرفت که دیدم آن‌ها برای پاسخ سؤالاتشان اصلاً به من مراجعه نمی‌کنند. چندبار غیرمستقیم یادآور شدم که اگر گروهی قبل از تدریس برای حل مشکلاتشان به من مراجعه نکنند و هنگام تدریس با مشکلی مواجه شوند، عذرشان پذیرفته نیست اما می‌دیدم آن دو هم چنان به کار خویش ادامه می‌دهند.

از روز تدریس آن دو خواهر هیچ چیز را به یاد ندارم به جز آتش اضطراب خود، سکوت سنگین کلاس و آب سرد و گوارایی که با روخوانی زیبا و بدون غلط خواهر ضعیف تر بر آتش درون من پاشیده شد.

روخوانی او به قدری روان و القای احساسش به قدری شدید بود که تم اشک را در چشمان خود و بسیاری از دانش‌آموزان کلاس احساس کردم.

کار او به قدری غیرمنتظره و زیبا بود که یک باره تمام دانش‌آموزان کلاس بی‌هیچ پیشینه‌ی قبلی برای او کف زده و حتی چند نفری او را در آغوش گرفته، بوسیدند و موفقیتش را تبریک گفتند.

در پایان سال، برای نتیجه‌گیری از شیوه‌ی تدریس حاضر، از دانش‌آموزان کلاس نظرخواهی به عمل آمد که بخش‌هایی از آن را می‌خوانید:

## ۱. به نظر شما تدریس توسط دانش‌آموزان چه محاسنی را داراست؟

۱- الف: از آن جا که دانش‌آموزان هم سن، دارای سطح فکر یکسانی هستند، حرف یکدیگر را بهتر درک می‌کنند. همین باعث می‌شود فکر دانش‌آموزان باز و با منابع علمی بیشتری آشنا شوند.

۱- ب: حسن همکاری و فعالیت درسی در بین دانش‌آموزان تقویت می‌شود فرصتی به دانش‌آموزان داده می‌شود تا توانایی خود را در این زمینه ارزش‌یابی کنند. به دانش‌آموزان اعتماد به نفس داده می‌شود و گاه دانش‌آموزان را به شغل دبیری و تدریس علاقه‌مند می‌کند و هم چنین سبب می‌شود دانش‌آموزان برای تدریس خوب و قابل قبول از قبل مطالعاتی داشته باشد.

۱- پ: دانش‌آموزان را نسبت به درس علاقه‌مند می‌کند و باعث می‌شود که احساس کنند می‌توانند آموخته‌های خود را به دیگران بفهمانند و ممکن است این آموزش به دانش‌آموزان برای انتخاب شغل‌هایی در آینده کمک کند و تحقیق درباره‌ی آن درس باعث می‌شود دانش‌آموزان موارد بیشتری بیاموزند و تنها حفظ مطالب درسی مورد توجه نباشد بلکه فهم آن نیز مورد تأکید قرار گیرد.

## ۲. به نظر شما تدریس توسط دانش‌آموزان چه معایبی دارد؟

۲- الف: البته محاسن آن خیلی بیشتر از معایبش است، اما عیب اساسی این روش این است که اطلاعات دبیر بیش از دانش‌آموز است و می‌تواند مطلب را خیلی بهتر از دانش‌آموزی که برای اولین بار تدریس می‌کند، آموزش دهد.

۲- ب: این روش با وجود محاسن زیاد معایبی نیز دارد. دانش‌آموزان تمام فکر خود را معطوف به آن درس می‌نمایند و درس‌های ماقبل را فراموش می‌کنند. البته این هم



## ۵. چه درس هایی را برای تدریس دوستانان مناسب می دانید؟

۵- الف: درس هایی که فهم آن ها بدون کمک خواستن از دبیر برای دانش آموزان میسر باشد، کتاب های تحقیقاتی در مورد آن ها زیاد باشد و خلاصه این که برای دانش آموزان در تدریس مشکل پیش نیاید.

۵- ب: اول این که آن فرد باید توانایی درک مطالب آن درس را داشته باشد و بتواند آن را برای دیگران تشریح کند. هم چنین باید علاقه ی لازم را برای تدریس آن داشته باشد. هم چنین باید درس هایی که تدریس می شود سطح علمی دانش آموزان را همگام با علوم روز جامعه بالا ببرد که این علوم نیز خود تحفه ی علوم گذشتگان ما هستند.

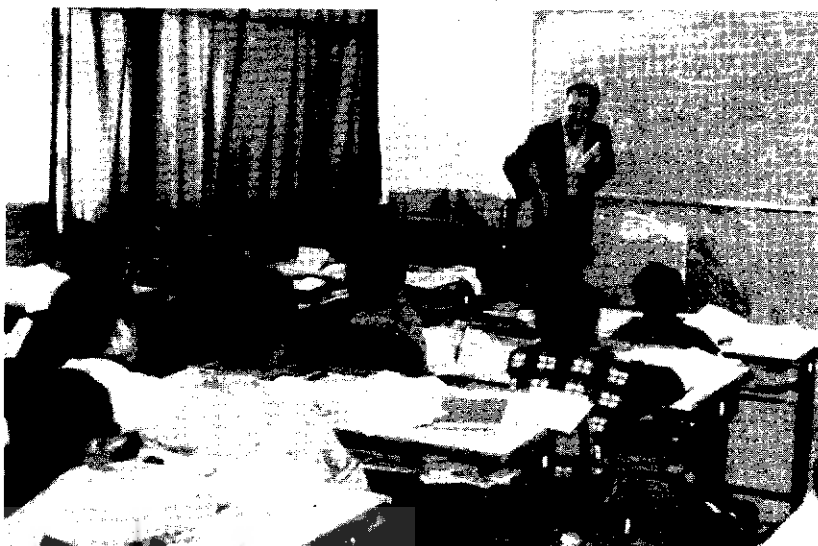
## ۶. تدریس دبیر و گروه دانش آموزان را مقایسه کنید؟

۶- الف: دبیر با تجربه ای که دارد تدریس کاملی را ارائه می دهد و اطلاعات خود را به دانش آموزان منتقل می کند. ولی تدریس دانش آموز با کمک دبیر کامل شود. تدریس دانش آموز به مطالعه ی قبلی بر می گردد و پایه ی تدریس او را در سطوح بالاتر تقویت می نماید.

۶- ب: تجربیات و مطالعات و تحقیق های دبیر نسبت به دانش آموزان بیشتر است و دبیر تسلط بیشتری بر دروس دارد؛ درس را بهتر به دانش آموز انتقال می دهد و... اما به عکس، تحقیق و مطالعه ی دانش آموزان و تسلط آنان بر دروس نسبت به دبیر کم تر است. ممکن است دانش آموزان نتوانند مفهوم درس را به خوبی بیان کنند.

زیرنویس

۱. منوچهر بزرگمهر، فلسفه چیست؟ (تهران، خوارزمی ۱۳۵۶) ص ۱۵.
۲. خانواده و فرزندان در دوره های دبیرستان، ص ۲۰۴، تألیف استادان طرح جامعه ی آموزش خانواده.



نداشتن ۴- خجالتی نبودن ۵- مطالب یاد گرفته را به خوبی به دیگران فهماندن.

## ۲. هنگام تحقیق و پژوهش جهت تدریستان با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

۲- الف: ساعات کار کتابخانه ی مدرسه خیلی اندک بود. کتاب های مورد نیاز را نداشتند و ما مجبور بودیم به کتابخانه ی بزرگ مراجعه کنیم که آن ها هم مشکلات خودشان را داشتند و غالباً از حضور ما در آن جا جلوگیری می شدند. برای آوردن ضبط صوت و کاست در مدرسه دچار مشکل شدیم و خیلی از مشکلات دیگر که باید با چاره اندیشی مسئولین حل شود.

۲- ب: کمبود منابع اطلاعاتی مانند کتابخانه ها و دست رسی نداشتن به کتاب های لازم جهت تحقیق، از جمله مشکلات عمده ی پژوهش ها می باشد.

۲- پ: گاه پیش می آمد که برای پیدا کردن کتابی جهت مطالعه و تدریس، مجبور می شدیم به کتابخانه هایی دورتر از محل سکونتمان برویم. گاهی کتاب را نداشتند و گاهی کتاب را برای مدتی امانت داده بودند.

بستگی به چگونگی شخصیت فرد دارد اگر فرد شخصی و وظیفه شناس باشد این مرحله ها را به خوبی خواهد گذراند اما اگر ضعیف و بی بنیه باشد نمی تواند به خوبی تدریس کند...

## ۳. چه پیشنهادی جهت مطلوب تر برگزار کردن تدریس دوستانان دارید؟

۳- الف: اولین پیشنهاد این که کتابخانه ی مدارس غنی تر شود تا دانش آموزان مجبور نباشند برای تحقیق به کتابخانه های بزرگ مراجعه کنند و وقت کمتری صرف شود. دومین پیشنهاد این است که دانش آموزان برای درس دادن سعی کنند بیندیشند که خودشان اگر قرار بود این درس را توسط شخص دیگری بیاموزند چگونه آن را بهتر می فهمیدند و از همان روش برای تدریس استفاده کنند.

۳- ب: نظر بر آن است که دانش آموزان مطالبی را که با تحقیق به دست آورده اند، حفظ نکرده باشند؛ بلکه آن را فهمیده و به دانش آموزان دیگر نیز بفهمانند.

۳- پ: ۱- مطالعه و تحقیق بیشتر در هر زمینه ۲- در موقع تدریس هر درس جدی بودن ۳- از هیچ چیز و هیچ کس هراس